

## یادی از استاد رضا سیدحسینی، روحش شاد

صبح روز جمعه ۱۱ اردیبهشت ماه ۸۸ در حالی که شدیداً درگیر جشن کتاب بودم و نمایشگاه کتاب را فرصتی برای دیدار با اهل کتاب یافته بودم و از حضور در نمایشگاه سرمست بودم، خبر درگذشت استاد فرزانه رضا سیدحسینی همه سرمستی را از بین برد. از بیماری او و بستری شدنش اطلاع داشتیم اما خبر درگذشتش برایم ناگهانی بود.

با آثارش و ترجمه‌های بسیار ارزشمند استاد از دیرباز آشنا بودم، ولی زمان زیادی از آشناییم با ایشان نمی‌گذشت. دی‌ماه ۸۶ بود که در نشریه تصمیم گرفتیم فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی را که استاد و همکارانش تهیه و در انتشارات سروش منتشر کرده بودند، در قالب نشست به نقد و بررسی بگذاریم، تلفنی با استاد صحبت کردم و ایشان صمیمانه دعوتمان را پذیرفتند و در سرای اهل قلم خانه کتاب پای صحبت ایشان نشستیم. قبل و بعد از نشست فرصت کوتاهی دست داد تا با ایشان گفت‌وگویی داشته باشم و با روح بلند ایشان بیش از پیش آشنا شوم. پس از این نشست چندین بار افتخار صحبت تلفنی و حضوری با ایشان را پیدا کردم و کسب فیض بردم.

حضور ایشان در این نشست و آثار ارزشمندی که تهیه کرده‌اند من و همکارانم در نشریه را به فکر واداشت تا یادی از این استاد فرزانه بکنیم و از تعدادی از اساتیدی که با ایشان از نزدیک کار کرده بودند درخواست کنیم تا از تجربیاتشان در همکاری با ایشان بگویند و همچنین زندگینامه مختصری از این استاد فقید را برای آشنایی بیشتر خوانندگان مجله منتشر کنیم که در ادامه می‌خوانید.





### زندگی‌نامه رضا سیدحسینی<sup>۱</sup>

رضا سیدحسینی مهرماه ۱۳۰۵ در اردبیل به دنیا آمد. بعد از گذراندن تحصیلات مقدماتی به مدرسه پست و تلگراف تهران رفت و مشغول تحصیل در رشته ارتباطات دور شد. سپس برای تکمیل مطالعات خود به پاریس رفت و مدتی نیز در دانشگاه یو. اس. سی<sup>۲</sup> آمریکا به تحصیل فیلم‌سازی پرداخت.

بعد از چندی به ایران بازگشت و به فراگیری عمیق‌تر زبان فرانسه و فارسی نزد استادانی همچون عبدالله توکل، پژمان بختیاری، دکتر نائل خانلری پرداخت.

سیدحسینی طی دوره‌های متمادی سردبیری مجله سخن را به عهده داشت، در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون کار می‌کرد و میانی نقد فلسفه هنر و ادبیات را در آموزش‌دهه تئاتر تدریس می‌کرد. از دوران جوانی به صورت جدی به کار ترجمه پرداخت و در همان دوران کتاب پیروزی فکر را در زمینه روان‌شناسی ترجمه کرد که حدود ۲۰ بار تجدید چاپ شد.

سیدحسینی از زبان‌های ترکی استانبولی، ترکی آذری و فرانسه و گاهی انگلیسی ترجمه می‌کرد، ولی مشهورترین ترجمه‌های او از زبان فرانسه است.

از سیدحسینی ۳۴ جلد کتاب منتشر شده است که رؤیای عشق از ماکسیم گورکی، لایم لایت اثر چارلی چاپلین، طاعون اثر آلبر کامو، آخرین اشعار ناظم حکمت، ضد خاطرات و امید از آندره مالرو، در دفاع از روشنفکران اثر ژان پل سارتر و آبرویاخته اثر جک لندن، از شمار آنهاست. سرپرستی پروژه فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز) و مسئولیت پروژه فرهنگ آثار ایران اسلامی از دیگر فعالیت‌های او در چند سال اخیر بوده است.

در سال ۱۳۸۵ و به مناسبت هشتادسالگی سیدحسینی مراسم بزرگداشت وی در خانه هنرمندان برگزار شد.

این مترجم پرآوازه ۱۵ فروردین سال ۱۳۸۸ به دلیل تب شدید و عفونت ریه به بیمارستان ایرانمهر تهران منتقل و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد و ۱۱ اردیبهشت همان سال و در سن ۸۳ سالگی، درگذشت. [روحش شاد باد].



### قطره‌ای از دریا علی‌اکبر اشعری

او شده است. نه غم از دست دادن فرزند جوانش در دیار غربت که کمر هر جوان از دست داده‌ای را می‌شکست، او را از کار باز داشت و نه ناراحتی و بیماری چشمانش که مهم‌ترین ابزار کار او بود، افزود. پس از فراغت از جراحی چشم و درحالی که به‌طور معمول باید مدتی به چشمانش استراحت می‌داد تا التیام یابند و با شادابی و انرژی جدید به ادامه تولید محتوای فرهنگی بپردازد، هیچ فرصتی را از دست نداد و چون جوانی پرشور کار ناتمام فرهنگ آثار را ادامه داد؛ گویی نیک می‌اندیشید که فرصت کم است و کار در دست انجام، بزرگ. به‌ویژه اینکه بارها می‌گفت نویسندگان این فرهنگ در معرفی آثار حوزه ایران و اسلام کوتاهی کرده‌اند و اگر به این ترجمه اکتفا کنیم و به فکر تألیف بخش تکمیلی فرهنگ آثار حوزه ایران و اسلام نباشیم، عملاً به تهاجم فرهنگی کمک کرده‌ایم، این بود که به‌رغم سختی کار و ضعف شدید جسمانی به‌ویژه در ناحیه چشم، به‌دلیل نگرانی از تأخیر در تألیف این بخش از کار و ناقص ماندن مجموعه، علاوه بر ادامه سرپرستی ترجمه فرهنگ آثار، مسئولیت بخش تألیفی این مجموعه را نیز برعهده گرفت.

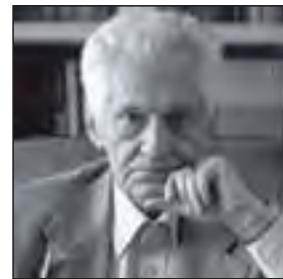
یکی از کارهای مهم سازمان اسناد و کتابخانه ملی تأمین و اطلاع‌رسانی کتاب‌های معتبری است که در حوزه‌های مختلف علمی و در سراسر جهان انتشار می‌یابد، اینجانب با اعتقاد به ضرورت بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظران رشته‌های مختلف با تشکیل گروه‌های علمی زمینه را برای استفاده از مشورت آنها در هریک از حوزه‌های تخصصی فراهم آوردم. یکی از این گروه‌های علمی، شورای ادبیات سازمان بود که افتخار همراهی استاد سیدحسینی را نیز داشت. استاد در این دوره همکاری نیز همچون گذشته بدون اعتنا به جسم نحیفش که یارای تحمل روح بزرگش را نداشت، فعالانه در جلسات شورا حضور می‌یافت و کتابخانه ملی و در واقع ملت ایران را از فیض وجودش بهره‌مند می‌ساخت. خداوند او را با انبیاء و صالحین محشور فرماید.

چه می‌شود گفت و نوشت وقتی در بهت و حیرت فقدان کسی هستی که در تمام مدت حشر و نشر با او جز خوبی از وی ندیده‌ای و تازه پس از رفتنش با ورود به سینه پر از خاطرات دیگرانی که او را می‌شناختند و هریک در موقعیتی متفاوت با تو با او ارتباط داشتند، می‌فهمی آنچه تو می‌دانی قطره‌ای از دریاست. استاد سیدحسینی‌ای که من شناختم، انسانی بود فرهیخته، اخلاقی، صاحب‌نظر در همه حوزه‌هایی که ورود داشت، و البته پرهیزگر از ورود در عرصه‌هایی که در تخصصش نبود. او فارغ از قیل و قال‌های مرسوم سیاسی و صنفی به غنای فکری و فرهنگی جامعه می‌اندیشید و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد. او که از افتخارات حوزه ادبیات کشور محسوب می‌شد و تنها نامش به هر فعالیتی اعتبار می‌بخشید، به‌رغم کهولت سن و اقتضائات آن همه روزه با شادابی و سرزندگی در محل کار خود حاضر می‌شد و با این حضور به محیط فرهنگی سروش گرما می‌بخشید. تواضع و فروتنی استاد در کنار سخت‌کوشی‌اش در مسئولیت‌هایی که قبول کرده بود، هریک مدرسه‌ای بود تا شاگردانی را نه باگفتار که با رفتارش بیرواند. بارها در مراجعه به اتاق کارش در انتشارات سروش او را می‌دیدم که آنچنان در کار فرورفته و با دقت سطور کتابی را که باید آماده می‌کرد می‌خواند که گویی او خود بخشی از کتاب یا کتاب بخشی از وجود

#### اشعری:

**در مراجعه به اتاق کارش  
در انتشارات سروش او را  
می‌دیدم که آنچنان در کار  
فرورفته و با دقت سطور  
کتابی را که باید آماده  
می‌کرد می‌خواند که گویی  
او خود بخشی از کتاب یا  
کتاب بخشی از وجود او  
شده است**

کتاب  
اطلاعات ارتباطات دانش‌نما



احمد سمیعی (گیلانی)

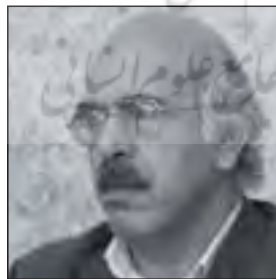
در مصاحبه‌ای، سبک نگارشی سیدحسینی را «ژورنالیستی - ادبی» وصف کردم به این اعتبار که سادگی و پویایی ژورنالیسم و ظرافت و سختگی ادبیانه دارد. اکنون می‌خواهم این وصف را با ذکر خصیصه دیگری کامل کنم. نوشته‌های سیدحسینی، علاوه بر آنکه، از سویی، زنده و به زبان محاوره نزدیک است و، از سوی دیگر، از حیث غنای واژگان و تنوع تعبیرات و نازک‌کاری‌ها صیغه ادبی دارد، دارای عمق و نوعی اتقان منطقی نیز است و این صفات به‌خوبی در برخی از ترجمه‌های پرمایه او که خواستار باریک‌بینی بیشتری بوده‌اند دیده می‌شود. نقل پاره‌ای از ترجمه رساله لونگینوس، در باب شکوه سخن، ویژگی‌های سبکی او را به‌روشنی نشان می‌دهد: «فرق آثار دموستنیس و سیسرون در چگونگی شکوهمندی آنهاست. عظمت دموستنیس با شیب تند بالا می‌رود و عظمت سیسرون در سطح وسیع گسترده می‌شود. هموطن ما در پرتو قدرت، سرعت، هیجان، و خشونت مقاومت‌ناپذیر می‌سوزاند و درهم می‌شکند و می‌توان او را به گردباد یا صاعقه تشبیه کرد و سیسرون، در نظر من، مانند حریقی که گسترده شود، همه چیز را در اطراف خود به کام می‌کشد، با آتشی زبانه‌کش و پایدار، گاه از این سو و گاه از سوی دیگر پیش می‌رود و از دوام و تداوم خود تغذیه می‌کند».

در خود انتخاب عنوان شکوه سخن، کنجکاوی تحقیقی سید را می‌توان یافت. سید، برای پیدا کردن معادلی که با *Traite' du sublime* (عنوان مختار بوالو در ترجمه اثر

به زبان فرانسه) برابری کند، ناچار به جست‌وجو شد آن هم نه در فرهنگ‌ها بلکه در کار اهل قلم چون زرین کوب - که «نمط عالی» را در ترجمه sublime اختیار کرده بود - و فؤاد روحانی و نقیب‌زاده و با پرسش از آشنایان به زبان پهلوی چون ایرج پروشانی. معادل برگزیده سید رسا، با کفایت، خوش آوا و می‌توان گفت بهترین انتخاب است.

باری سید فضایی داشت که گویی خود بر آنها واقف نبود یا به‌صرافت طبع از آنها غافل مانده بود. او از این حیث به کودکان شباهت داشت. همین خصلت همه سجایای او را به زیر سایه می‌برد و نمی‌گذاشت به جلوه درآیند. از این‌رو، دوستان نزدیکش هم آنها را نمی‌دیدند و حتی جلوه‌فروشی گاهگاهی او جدی گرفته نمی‌شد.

این مترجم پرکار و پرمایه و چیره‌دست چنین می‌نمود که وقت‌گذران و هوسکار است و حال آنکه کمتر مترجمی مشکل‌پسندی و ذوق و سلیقه فرهیخته او را در گزینش آثار برای ترجمه داشت. یادش به خیر.



رضا سیدحسینی و فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی

#### سیدعلی آل دواد

وقتی که در سال ۱۳۷۳ مقرر شد که برای تکمیل فرهنگ آثار مکتوب جهان که شش مجلد است و از زبان فرانسه به سرپرستی مرحوم استاد رضا سیدحسینی به فارسی ترجمه می‌شد، تکمله‌ای هم تألیف شود در آغاز حجم آن بسیار مختصرتر از آنچه در دست اجراست،

**سمیعی:**  
**در مصاحبه‌ای، سبک نگارشی سیدحسینی را «ژورنالیستی - ادبی» وصف کردم به این اعتبار که سادگی و پویایی ژورنالیسم و ظرافت و سختگی ادبیانه دارد**

## آل داود:

**او در دستگیری و تشویق نویسندگان مطبوعات و خبرنگاران بیش از حد اصرار داشت، اگر استعدادی در آنان سراغ می‌کرد، برخلاف بسیاری از اصحاب قلم، در معرفی آنان به مطبوعات و به نویسندگان صاحب‌نام کوتاهی نمی‌کرد**

بود. هیئت علمی جداگانه‌ای برای فرهنگ آثار ایرانی اسلامی تشکیل شد، آقای سیدحسینی هم با فراغتی که دوسه سال بعد پیدا کرد به همکاری با این اثر پرداخت. تفاوت میان این دو اثر در این است که فرهنگ آثار جهان ترجمه از یک اثر برجسته فرانسوی است و به قلم استادان متبحر نوشته شده و البته باید به صراحت گفت، ترجمه و انتقال و نشر آن به زبان فارسی کاری عظیم است و فقط از عهده هیئت علمی آن برمی‌آمده است. اما تألیف فرهنگی مشابه آن و به‌منظور معرفی آثار مکتوب ایران و کشورهای اسلامی کاری است به‌مراتب دشوارتر و با امکانات کمتری که در کشور ما وجود دارد، امر نگارش و ویرایش و آماده‌سازی و نشر آن به‌کندی پیش می‌رود، اما مرحوم سیدحسینی با اعتقادی که به این اثر تکمیلی پیدا کرده بود، روزبه‌روز برای همکاری با آن شائق‌تر می‌گردید، به قسمی که در دوسه سال اخیر زندگی تمام اوقات خود را مصروف همکاری با فرهنگ آثار ایرانی اسلامی می‌کرد. او در تشویق و ترغیب نویسندگان و همکاران ما در تألیف این اثر همواره می‌کوشید. برخوردش همواره توأم با تحسین و تشویق بود. غیر از آن، سیدحسینی انسانی بزرگواری و پاکدل و خوش‌نیت بود، هرگز به بدگویی از دیگران نمی‌پرداخت، حتی نشنیدم از افرادی که سرمایه او را از میان برده و تصرف کرده بودند هم به‌زشتی نام ببرد. او در دستگیری و تشویق نویسندگان مطبوعات و خبرنگاران بیش از حد اصرار داشت، اگر استعدادی در آنان سراغ می‌کرد، برخلاف بسیاری از اصحاب قلم، در معرفی آنان به مطبوعات و به نویسندگان صاحب‌نام کوتاهی نمی‌کرد. من در ۳۰ سال اخیر با گروه‌کنیری از صاحبان قلم و دانشمندان آشنایی و معاشرت داشته‌ام، اما در میان آنان از حیث خلیات انسانی همانند سیدحسینی کمتر کسی را دیده‌ام.

## فیروزان:

**مرحوم سیدحسینی از شمار مترجمان زبردستی است که تنها از طریق آثارش شناخته نمی‌شود، بلکه اهل فرهنگ و هنر اکثراً او را چهره به چهره می‌شناختند**

**در سوگ شادروان استاد رضا سیدحسینی مهدی فیروزان**

همه کسانی که با امر ترجمه و حوزه ادبیات آشنایی دارند و همه کسانی که فرهنگ کتابخوانی دارند، با نام و آثار شادروان رضا سیدحسینی آشنایی و انس و الفتی قدیمی دارند.

مرحوم سیدحسینی از شمار مترجمان زبردستی است که تنها از طریق آثارش شناخته نمی‌شود، بلکه اهل فرهنگ و هنر اکثراً او را چهره به چهره می‌شناختند، می‌دانید چرا؟ اکثر نویسندگان و مترجمان ترجیح می‌دهند در فضایی آرام و دور از هیاهو به تحقیق و تألیف و کتابت بپردازند به همین دلیل طایفه کتابخوان چهره‌های سرشناس فرهنگی و ادبی را بیشتر از طریق آثارشان می‌شناسند. اما زنده‌یاد سیدحسینی از معدود صاحبان قلم بود که تقریباً در همه عرصه‌ها و رویدادهای فرهنگی و هنری حضور داشت. هرچند دوره آموزشی معتبری بود فرقی نمی‌کرد چه در دانشگاه یا فرهنگستان، چه در مراکز خصوصی مثل حوزه هنری یا فرهنگسراها، شهر کتاب، خانه کتاب، چه در همایش‌ها از آلبورگ تا گرگان تا ادبیات مقاومت پس از انقلاب همه جا حضور داشت. بهتر آن است که بگوییم او به سراغ طالبان علم و عاشقان می‌شتافت. تواضع و سلامت نفس و فداکاری و بذل بخشش علمی او همه را شیفته خود می‌کرد. اگر یادگیری و آموختن تعلیم و تعلم را فضیلتی عظیم بشناسیم مرحوم سیدحسینی دانشمند با فضیلتی بود.



### در سوگ استاد

تا رضا سیدحسینی رخت بست  
 اهل دل را ساغر معنی شکست  
 در ادب اعجاز مولائیش بود  
 در هنر جان مسیحائیش بود  
 عشق را با عقل معنا کرده بود  
 گنج را در رنج پیدا کرده بود  
 ترجمت از همت او نام یافت  
 شه‌رزاد قصه از او کام یافت  
 ترجمت را تا ثریا برده است  
 «آبروی رفته» باز آورده است  
 متن «ضد خاطراتش» خواندنیست  
 حاصل «رؤیای عشقش» ماندنیست  
 در «ادب» همسنگ «مکتب» هاش نیست  
 هیچ عشقی چون «شب رویا»ش نیست  
 ای تو هم چون زندگی «مرگت عزیز»  
 در کلامت شوق صبح رستخیز  
 موج می‌زد «آرزو» در خون تو  
 ای طیب دردها «طاعون» تو  
 شوره‌زار جهل گلشن کرده‌ای  
 تا دفاع از فکر روشن کرده‌ای  
 از تو و «پیروزی» آن «فکر» روز  
 «خوشه‌های خشم» شد بیداد سوز  
 ماند در رؤیای عشقت بی‌قرار  
 «جادهٔ تنباکو» از تو یادگار  
 در نوردیدی زحمت مرزها  
 یافتیم از منطقت اندرزها  
 ای «شکوه» جاری فرّ «سخن»  
 از تو باید یافت سرّ نو شدن  
 دوست را لطف و رضا یار تو باد  
 جاودان «فرهنگ آثار» تو باد  
 مهدی فیروزان  
 ۸۸/۲/۱۴

### پی‌نوشت‌ها:

۱. زندگی‌نامه به‌نقل از همشهری آنلاین، قابل‌دسترس در:  
<http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=85298>  
 2. USC